

بقلم : آقای محمد مهراڻ

باقی از شماره نهم دوره سی و یکم

لرستان

(۲)

ثانیاً طوایف سلسله

که بهشت تیره متقسم میشوند : ۱ - حسونند ۲ - یوسف و نند ۳ - کولیوند
 ۴ - کر معلی ۵ - فلک الدین ۶ - امیر ۷ - قلائی ۸ - رشنو نصرالله خانی .

۱ - حسونند - این تیره از طایفه سلسله قریب هشت هزار خانوارند بیلاق
 آنها شرقی جلگه الیشر (بهترین جلگه و اراضی لرستان) و قشلاقشان حوالی جایدرد
 است و ملک آن متعلق بخودشان است و چون مدتی است که خوانین و کشاورزان در
 بیلاق مساکنی را ساخته و در دهات میگذرانند و آنهایکه این توفیق را نیافته اند تا
 حدود رباط و بلوک شمالی خرم آباد پیشرفته و رفتن بگرمسیر قدیم خود را موقوف
 ساخته اند .

۲ - یوسف و نند - این تیره در سابق دو هزار خانوار بوده اند ولی بعلت تعدیات
 بدعات نهانند و کرمانشاهان متفرق شده و فعلاً بیش از هزار خانوار آنها باقی
 نمانده است بیلاقشان درمرکز الیشر که بهترین اراضی آن حدود است میباشد و
 قشلاقشان کنار رود صیمره - این جماعت هم مثل حسونند ها و کولیوند ها صاحب
 ملک و محل مخصوص بوده لیکن چند سال است مساکنی در دهکده های خود ساخته
 و بگرمسیر نمیروند .

۳ - کولیوند - سابقاً متجاوز از سه هزار خانوار بوده اند و نیم قرن است
 که بواسطه تعدیات اغلب متفرق و در نهانند و خزول و کرمانشاهان بزندان نوبینی

عادت کرده اند و فعلاً در محل بیش از دوهزار خانوار باقی نمانده اند - بیلاقشان غربی
الیشتر و قشلاقشان سواحل رود صیمره میباشد که در آنجا مالک بوده و چون در بیلاق
خود خانه ساخته اند دیگر بقشلاق نمیروند و عده قلیلی با اینکه محل گرمسیر خود
را فروخته و از دست داده اند به طرهان میروند .

۴ - کرمعلی - سابق قریب یکهزار خانوار بوده اند ولی تدریجاً اکثر آنها
بکرمانشاهان و نهاوند و خزل متفرق شده بیلاقشان غربی جلگه خاوه و قشلاق آنها
حدود طرهان و کنار رود صیمره میباشد و چون چندی است سکونت در بیلاق پیدا
کرده کمتر بقشلاق میروند .

۵ - فلك الدین - تعداد آنها هشتصد خانوار ولی غالباً متفرق شده اند
بیلاقشان غربی خاوه و قشلاقشان طرهان و چون غالباً تخت قاپو شده اند کمتر
بگرمسیر میروند .

توضیح آنکه در محل سکونت تیره فلك الدین آب معدنی بسیار سرد و خوش
طعم و گوارا و محلل وجود دارد که در جهان ممتاز و قابل استفاده است این چشمه
دارای يك سنگ آب و مشهور بآب دوغ و تا شهر نهاوند چهار فرسخ فاصله دارد .
وجه تسمیه آن اینست که چون در چشمه خاک بریزند عوض اینکه گل آلود شود
مقداری جوشیده و برنگ دوغ درمیآید یعنی سفید رنگ میشود زیرا گاز زیادی
دارد و جز ساکنین محل کسی بآن توجه ندارد .

۶ - تیره امیر - فقط دویست خانوار و در الیشتر و چکنی ملک و آب دارند و
آنهائی که در الیشتر اقامت دارند و اکثریت با آنها است در چکنی بقشلاق میروند.
در ملک این جماعت که در شمال شرقی الیشتر واقع است آثار شهر خرابی از جمله
برج و بارو وجود دارد که مشهور بشهر سلطان شرق است و در آن سکه های صفویه
و ما قبل آن و سنگهای قیمتی یافت میشود و همدانیه در آنجا تلاشوئی میکنند و

بنظر میرسد در صورت توجه بیشتر اشیاء عتیق و نفیس برای ضبط در موزه زیاد بدست آید .

۷- تیره قلائی - این تیره نیز قریب دویست خانوار میشوند ملك زراعتی آنها در جنوب الیشر کنار رود کاکا رضا است و قشلاق و بیلاقشان در همین محل است .

در این محل جنگلی وجود دارد که در آن يك قسم درختی است که ازعجایب خلقت وطبیعت میباشد و این درخت چند نوع ثمر میدهد که یکی از اثمار آن میوه ای است از فندق کمی درشت تر - کلاهکی دارد - رنگش مشابه سنگ یشم و وقتی بهار را بگذرانند حال سنگ را پیدا کرده و متحجر میشود اثماردیگر آن : بلوط - جفت - مازو - قلقاف - گرانگین صمغ و غیره میباشد واقتضادارد نسبت بآن تحقیقات علمی و شیمیائی بعمل آید ومورد استفاده قرار گیرد .

۸- رشنو نصرالله خانی - مرکب از چهل خانوار و اکنون متفرق و با تیره حسوند مخلوط و ظاهراً از این تیره نام و نشانی نیست .

ثالثاً - طوایف دلفان

مرکب از پنج عشیره : کاکوند - مومیوند - ایوتیوند - اولاد قباد - پیچیوند

بشرح زیر :

۱ - کاکوند - قریب هشت هزار خانوار بیلاق آنها (دارامرود) متصل بخاک هر سین و کرمانشاهان و قشلاق آنها محل طرهبان است و تعدادی از آنها نیز در شهر بروجرد ساکن و ترك مسکن اصلی خود را نموده اند .

۲ - مومیوند - که بدو تیره تقسیم شده اند ۱ - مومیوند میر بیگی ۲ - مومیوند

نورعلی .

الف - تیره میر بیگی - بزديك بسه هزار خانوار بیلاقشان لاغری وحسن -

کاویار و قشلاقشان تشکن و کوهدشت طرهان است و کمی از آنان تحت قاپو شده اند .

ب- تیره نور علی - متجاوز از یکهزار و پانصد خانوار بیلاق آنها دم باغ و چشمه کبود و قشلاق آنها کوهدشت طرهان است و مانند تیره میر بیگی همگی آنها در یکجا سکونت اختیار نکرده اند .

۳- ایوتیوند - سابقاً طایفه بزرگی بوده و متفرق گردیده اند اکنون ۱۵۰۰ خانوار از آنها باقی و محل آنها از حیث بیلاق کوه سر کشتی ودیته رود و از حیث قشلاق خاک طرهان کنار رود صیمره است .

۴- اولاد قباد - قریب ۶۰۰ خانوار بیلاق و قشلاق آنها جنب طایفه ایوتیوند است و باهم آمیزش و اختلاط زیاد دارند .

۵- طایفه پیچیوند - که از سه تیره پیرزاد خانی و یحیی بیگی و صفرخانی مرکب شده اند بشرح زیر :

الف و ب- تیره پیرزاد خانی و یحیی بیگی - جمعاً قریب سیصد خانوار - جزء دلفان و در کنار رود صیمره مقابل هیلان سکونت دارند و رفتن به بیلاق را ترک نموده اند .

ج- تیره صفرخانی - نزدیک به دویست خانوار در ضلع غربی پیشکوه وصل بخاک پشتکوه سکونت داشته و از آبرود صیمره استفاده میکنند و محل آنها گرمسیر است و در همان محل بیلاق و قشلاق میکنند .

رابعا - طوایف طرهان

طوائف طرهان در غربی پیشکوه که تا اندازه ای گرمسیر است و دارای اراضی و جنگلهای متعددی میباشد زندگانی مینمایند عمده آن (طرهان) و (رومشکان) و (کوهدشت) و (مادیان رود) و (کل کل) و (میشنان) است و کلیه اراضی طرهان

بالنسبه بساير نقاط ييلاقى لرستان كم آب و نامرغوب است و ساكنين مقيم طرهان حدود پانزده هزار خانوار و مشتمل بر :

امرائى - سورى - كورائى - آزاد بخت - آدينه وند - زرونى - رماوند - گيراوند - چوارى بوالى - زيوه دار وروميايى است و ييلاق و قشلاقشان در خاك خودشان است جز تيره چوارى و بوالى كه ملك اين دو در ييلاق پشت تنگ كلوشمار فيما بين طوائف سلسله و دلفان است و قشلاقشان همان محل طرهان ميباشد .

خامساً طوائف چكنى

اين طائفه داراي دو تيره طهมาสب خانى و حاتم خانى بوده و قريب ۱۵۰۰ خانوار ميباشند محل آنها جنوب غربى شهر خرم آباد كه ابتدائى خاكشان تا شهر دو فرسخ است - ملك و محل آنها از حيث اراضى و زراعت و مرتع و آب جنگل و ييلاق و قشلاق از غالب نقاط لرستان جالبتر و پربركت است .

سایر طوائف پیشکوه

برای آنكه قسمتى ولو كوچك باشد نا گفته نماند بذكر آنها نيز مبادرت ميورزيم :

۱ - طائفه سيراوند - قريب هشتاد خانوار محل آنها نشكن و متصل بخاك چكنى است .

۲ - طايفه طولايى - نزديك به شصت خانوار كه ملك و محل معينى ندارند قسمتى در پشتكوه و بعضى درميان طائفه سكوند رحيمخانى و عده اى در بلوك خرم آباد سكوتت دارند و خلاصه متفرق و مخلوط با ديگران هستند .

۳ - طائفه دميايى - چون در سابق خوانين پرا نوند ملك آنها را غصب و ضبط کرده اند قسمتى از اين طائفه در زمينهاى خالصه بلوك خرم آباد زراعت ميکنند و قسمت ديگر جزء طرهان (قريب ۶۰ خانوار) و خلاصه پراکنده ميباشند .

۴ - طائفه ركرک - قریب ۱۰۰ خانوار میباشند و چون ملك جزئی در خاک چکنی داشته و کفایت آنها را نمیکرد در املاك اربابی حوالی خرم آباد هم زراعت میگردند ولی چند سال است که باطائفه سگونند رحیمخانی مخلوط و در حقیقت جزء آنطائفه بشمار میروند .

۵ - طائفه رشنو میرزا جعفری - که طائفه کوچکی هستند و متفرق در شهر خرم آباد و بلوک آن و سیلاخور میان طوائف دیگر لرستان میباشند .

۲ - پشتکوه

چنانچه قبلاً اشاره شد از حیث خاک پیشکوه با نسبت سه پنجم و پشتکوه با نسبت دو پنجم میباشد ولی از حیث جمعیت تعداد لرهای پشتکوه بمراتب بیشتر از لرهای پیشکوه است زیرا بعلمت عدم امنیت و تاخت و تاز خوانین و تجاوز لرهای پیشکوه بیکدیگر بمرور و دهور عده زیادی از لرهای پیشکوه به پشتکوه رفته و در آنجا اقامت گزیده اند و باین دلیل با کمی خاک پشتکوه جمعیت آنها فزونی یافته است ولی آب و خاک پشتکوه بخوبی پیشکوه نیست مع الوصف محلی است وسیع و دارای جلگهها و اراضی و جنگلها و بیلاق و قشلاق است و در ادوار گذشته همیشه امنیت پشتکوه بهتر از پیشکوه تأمین بوده و با اینوصف بواسطه کمی آب و خاک سابقاً عده ای از لرها بنخاک همسایه رفته در آنجا متوطن و باعث آبادی آنجا شده اند .

بهر حال جمعیت لرهای پشتکوه به پنجاه هزار خانوار بالغ و در سمت غربی و ماوراء کبیر کوه متصل بکرمانشاهان و خوزستان زندگانی میکنند و کشاورزان و چشم‌داران آن ملایمر از کشاورزان و چشم‌داران پیشکوه میباشند .

طوائف عمده لرهای پشتکوه عبارتند از :

کرد - مهکی - ملك شاهي - دیناروند - تائدخورده - میش خاص - چتال - هنی
منی - بدره - ارکوازی - احمدقال - چرداولی - سلهورزی - زروش - بوالی - خزل
طولابی .

سابقاً والی پشت کوه درمحل خوش هوا که دارای جلگه وسیعی در دامنه کبیر کوه موسوم به (ده بالا) یا (حسین آباد) که هر دو اسم مخصوص يك محل است بیلاق مکرده و قشلاق او در امیر آباد و گنجیال جم و کاوی که هر يك چند فرسخی از هم فاصله دارند بوده است و بعضی از سالها دهلران میرفته است و لسی اکنون و از زمان سلطنت اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر اصول خانخانی و ملوک الطوائقی از میان رفته و مردمی که سابقاً تحت رقیب و بندگی چند نفر بتجاوز و تعدی بیکدیگر برخلاف میل قلبی و مرام و مسلک خود میپرداختند بکارزراعت و حشم داری مشغول و طغیان و عصیان در منطقه لرستان نداشته و ندارند.

سیرتاریخ و جریاناتی که از اول قرن چهاردهم شمسی باطلوع سردار ملی و رشید ایران اعلیحضرت فقید و متعاقب آن در عصر سلطنت اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی در ایران برای حفظ امنیت و سرکوبی طاغیان و ایجاد قدرت ملی و نظم اجتماعی در سرتاسر ایران و مخصوصاً لرستان بوجود آمده و مقایسه آن با گذشته در خور مقالات مفصلی است که امیدوار است بموقع تنظیم و تقدیم خوانندگان عزیز مجله ادب ارمغان گردد. *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

پایان

گردش روزگار

از چرخ بهر گونه همی دار امید

وز گردش روزگار می لرز چو بید

گفتی که پس از سیاه رنگی نبود

پس موی سیاه من چرا گشت سپید!

«خواجه حافظ»